حمید سبزواری (شاعر) | امیر حسین فردی (نویسنده) | ابوالفضل عالی (گرافیست) | حسن شایانفر (محقق) | شهید رسول کاظم‌نژاد (عکاس) | شهید احمد زارعی (شاعر) | مهرداد اوستا (شاعر) | حسن روح‌الامین (نقاش) | سیاوشنجاری طباطبایی (کاریکاتوریست) | حبیب‌الله معلمی (شاعر) | علیرضا قزوه (شاعر) | محمد علی کودینی (نویسنده) | علی‌محمد مؤدب (شاعر) | محمد مهدی سیار (شاعر) | سیمین‌دخت وحیدی (شاعر) | امیر حسین صلواتیان (تصویرگر)

## حاشیه‌نگاری بر بیتی از حافظ / ۱۷

# از خلاف آمده عادت

علی قربان‌نژاد

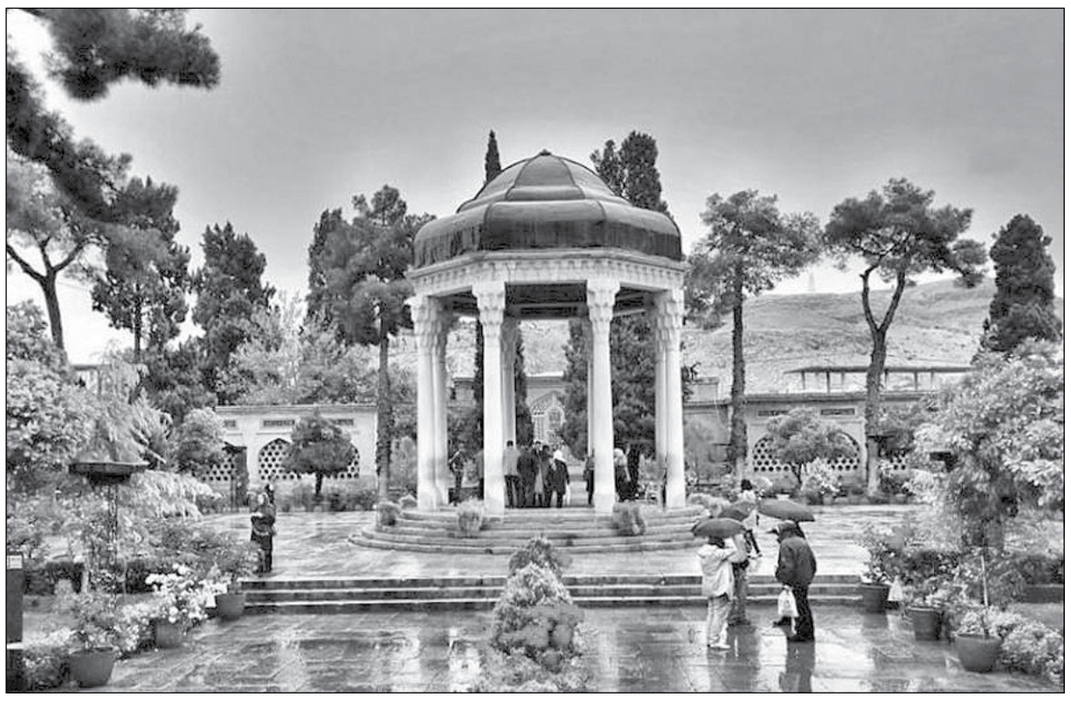

افراد یک جامعه در سطوح دانش مختلف از واژگانی که همه از بستر یک زبان برخاسته‌اند استفاده می‌کنند. با این حال یک نفر از کنار هم قرار دادن واژگان به نوشتن خاطراتش می‌پردازد. دیگری یک یادداشت می‌نگارد. یکی دیگر یک متن ادبی می‌نویسد و یک شاعر آن واژگان را به شعر بدل می‌سازد. با این حال سؤال این است که چه چیزی سبب می‌شود تا از صورتبندی کلمات یک شاعر شعر پدید آید؟! «رولان بارت» در کتاب «درجه صفر نوشتار» مباحث جالب توجهی را در باب اینکه آیا اسلوب نوشتار شعر وجود دارد؟ پی گرفته است.

از مولوی دو کتاب شعر معروف باقی مانده است: «مثنوی معنوی» و «دیوان شمس». هر کسی که این دو را خوانده باشد (حتی اگر خیلی با چگونگی شکل یافتن شعر و تفاوت نظم و شعر آشنا نباشد) احتمالا به تفاوتی در محتویات هر دو کتاب پی برده هرچند اگر نداند آن تفاوت در چه چیزی است. این جا بحث «نظم» و «شعر» پیش می‌آید و اینکه چرا «مثنوی معنوی» را نظم و «دیوان شمس» را شعر می‌نامیم. این موضوع فقط در مورد مولوی نیست بلکه نام بردن از دو کتاب مولوی برای نمونه است. در کوتاه‌ترین و قابل فهم‌ترین شکل پاسخ سؤال اخیر چنین می‌شود: در مثنوی معنوی زبان ابزاری است برای انتقال معنا به این شکل که شاعر قصد می‌کند تا یک داستان یا یک حکایت پندآموز یا... در قالب اوزان عروضی ریخته و آن را به مخاطب عرضه کند و صورتبندی کلمات در وزن عروضی به هیچ عنوان دلیل کافی برای شعر نامیدن آن نیست چرا که اگر چنین بود پس حتما باید امثال این را هم شعر بنامیم: «هرگز نشه فراموش-لامپ اضافه خاموش» اما در دیوان شمس زبان هدف است. این یعنی اینکه شاعر در شعر مترصد این است که زیبایی را در زبان به وجود آورد.

چه تعریفی از شعر می‌توان ارائه داد؟ این سؤالی بسیار مهم است که در ادوار مختلف بسیاری سعی کرده‌اند به آن پاسخ دهند اما به واقع پاسخ چنین سؤالی هم سخت است و هم بیان آن به گونه‌ای که تمام جوانب در آن لحاظ شود بسیار مشکل است. افراد بسیاری کوشش کرده‌اند که تعریفی جامع و مانع از شعر ارائه دهند اما با این وجود هنوز هم کسی نمی‌تواند ادعا کند که تعریفی از شعر به دست آورده که می‌تواند همه زوایای شعر را پوشش دهد.

اما به گمانم چیزی که از تعریف شعر مهم‌تر است تبیین و صورت‌بندی چگونگی به وجود آمدن شعر است. زبان ساختاری بسیار جالب دارد. علم «زبان‌شناسی» در پی آن است تا به بررسی چنین چیزهایی بپردازد. هدف زبان‌شناسی بررسی ساختار زبان در عرصه‌های مختلف از انواع متون است. چرا که مرز مشخص و دقیقی برای شعر وجود ندارد تا ما به واسطه آن بگوییم هر متنی که از این مرز بگذرد را شعر می‌نامیم. با تفکر در مورد چگونگی شکل‌گیری شعر در طول سال‌های گذشته به این نتیجه رسیدم که شکل‌گیری شعر حداقل ماحصل دو مرحله است: ۱) کشف یک لحظه ناب یا یک لحظه شاعرانه ۲) اجرای آن لحظه در بهترین و موجزترین حالت در زبان.

برای درک بهتر به این نمونه دقت کنید: همه مردمان در طول قرن‌های متمادی به ماه نگریسته‌اند و گاهی نیز ماه را در یک هاله زیبا دیده‌اند. حالتی که به واسطه ذرات بسیار بسیار ریز یخ به وجود می‌آید. ذرات ریز شش‌ضلعی که در اتمسفر قرار دارند و باعث شکست نور می‌شوند. مواجهه اکثر مردمان با این پدیده همین اندازه است که ماه را در وضعیتی زیبا و با یک هاله می‌بینند اما چشم و ذهن شاعر ممکن است با این پدیده این چنین روبه‌رو نشود. به عبارتی یک شاعر در مواجهه با یک پدیده یا یک اتفاق یا... ممکن است در یک زاویه متفاوت نسبت به آن پدیده قرار گیرد و آن پدیده را طوری درک و فهم کند که تا پیش از آن سابقه نداشته است. مثلا همان هاله ماه را در نظر بگیرید. ممکن است ذهن شاعری میان هاله اطراف ماه و تراوشات کوزه‌ای سفالی که در آن آبی گوارا و سرد قرار دارد مشابهت ایجاد کند به عبارتی ممکن است ذهن شاعر ناگاه ماه و هاله‌اش را کوزه سفالینی که تراوشات آب بر سطح بیرونی‌اش قرار گرفته ببیند.

تا این‌جا مرحله نخست، حاصل شده یعنی یک لحظه ناب یا لحظه‌ای شاعرانه توسط چشم و ذهن هنرمند شکار شده است. در مرحله دوم او باید این لحظه را به بهترین شکل در زبان به اجرا درآورد. پس او حداقل با توجه به این موارد دست به کار می‌شود تا لحظه شکار شده را در زبان به اجرا درآورد: ایجاز، پرهیز از ضعف تالیف، گنگ نبودن، انتخاب کلمات مناسب و...

به این شکل «نیما یوشیج» کشف شاعرانه خود را در زبان به اجرا درآورد: «می‌تراود مهتاب» به این طریق او مسیر تازه‌ای را در مواجهه با ماه در برابر ما قرار داد. او ماه و هاله اطراف آن را به شکل کوزه سفالی و تراوشاتش دید و لذا از ترکیب آن دو با هم (ماه و کوزه) به بهترین شکل اجرای آن در زبان دست یافت که عبارت بود از: می‌تراود مهتاب.

تصور کنید برای دیدن ماه و هاله‌اش مردمان همواره یک مسیر یا یک راه را می‌پیمودند وقتی شاعر لحظه کشف شده‌اش را در حالتی زیبا در زبان به اجرا درآورد یک امکان تازه به جهان ما اضافه می‌شود. آن امکان معرفی یک مسیر تازه برای دیدن ماه و هاله‌اش است و به این شکل شاعر مسیری را که برای کشف لحظه شاعرانه پیموده با همه مردم به اشتراک می‌گذارد.

آنچه گفته شد یعنی اینکه شاعر از مسیری که همواره همه از آن رفته‌اند به سراغ یک سوژه نمی‌رود. به عبارتی او «خلاف عادت همیشگی و همگان» عمل می‌کند تا بتواند به آفرینش زیبایی برسد.

اکنون با همه آنچه در سطرهای بالا به عرض رسید سراغ از حضرت استاد و شعرش بگیریم و ببینیم که ارتباط مباحث بالا با بیت این شماره چیست. حافظ در بیتی بسیار زیبا می‌گوید:

**از خلاف آمده عادت بطلب کام که من**
**کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم**

«از خلاف آمده عادت» یعنی مسیری که خلاف عادت‌های همیشه است. این را در هنر می‌توان «آشنایی‌زُدایی» نامید. در عرصه زبان و زبان‌شناسی یک مثلث طلایی وجود دارد که سه ضلع آن تشکیل شده از:

۱) کلمه یا دال
۲) مابه‌ازای خارجی یا مدلول
۳) نشانه

سازوکاری که ذهن در برخورد با زبان دارد براساس همین سه موردی است که در بالا به عرض رسید. برای توضیح بیشتر مثلا ما یک کلمه داریم که آن را به این شکل می‌نویسیم: «درخت» که این می‌شود کلمه یا همان دال. آنچه که آن را درخت می‌نامیم یعنی واقعیت آن می‌شود مابه‌ازای خارجی کلمه درخت یا مدلول. درخت موجودی جاندار است که در شمار گیاهان قرار دارد. برخی از آنها میوه دارند و در خاک ریشه دوانده و برای رشد به آب و هوا و نور نیازمند هستند؛ خب همه اینها می‌شود نشانه. وقتی ما کلمه «درخت» را به زبان می‌آوریم ذهن مخاطب مسیر شناخته شده‌اش را بر اساس آن سه موردی که در بالا به عرض رسید طی می‌کند و به درک از آنچه ما گفته‌ایم می‌رسد.

یکی از کارهای شعر این است که ما را با مسیرهایی به غیر از مسیرهای مألوف و شناخته شده آشنا می‌کند و لذا ما از خواندن آن لذت می‌بریم چرا که عرصه جدیدی در برابر ما می‌گشاید.

حال در مصراع نخست بیتی که به عرض رسید شاعر می‌گوید از مسیری به غیر از مسیرهایی که می‌شناسیم و به آنها عادت کرده‌ایم کام خویش را طلب کن. در مصراع دوم ابتدا ببینیم «جمعیت» به چه معنایی است. در فرهنگ‌های لغت جمعیت این‌گونه معنا شده است: مردم یا موجودات زنده‌ای که در یک جا گرد آمده باشند؛ گروهی از مردم؛ انبوهی از مردم؛ معاشرت؛ همنشینی؛ فراهم آمدن و مجتمع شدن؛ متحد گشتن. به غیر از اینها «جمعیت» یک معنای دیگر هم دارد که به نظر می‌رسد آن معنا مد نظر شاعر بوده باشد و آن معنا این است: آسودگی خاطر.

اکنون معنای کل بیت چنین به نظر می‌رسد: از مسیری به غیر از مسیرهایی که می‌شناسیم و به آنها عادت کرده‌ایم کام خویش را طلب کن چرا که من از آن زلف پریشان به آسودگی خاطر رسیدم.

به غیر از این تقابل و تضاد دو واژه «جمعیت» و «پریشان» در بیت باعث ایجاد زیبایی شده است. با این وجود این بیت نوعی از سبک زندگی و جهان‌بینی را نیز به نمایش می‌گذارد. برای نمونه در نظر آورید در زمانه‌ای شخصی مانند «ناصرالدین‌شاه قاجار» قدرتمندترین ایرانی و شخص اول کشور بوده است. تقریبا تمام درآمدها و ثروت‌های کشور نزد او بوده و یا او اختیاردار آنها بوده است. قشون نظامی نیز تحت فرمان او بوده‌اند و هر حکمی از او به اجرا درمی‌آمده است. خب اینها همه طبیعی به نظر می‌رسند چرا که او شاه و سلطان ایران بوده است. اما در همان روزگار شخصی دیگر نیز می‌زیسته که نامش «میرزای شیرازی» (که رحمت و رضوان خدا بر او باد) بوده است. وقتی شاه ایران امتیاز تجارت توتون و تنباکو را به انگلیسی‌های خبیث واگذار کرد تا به این شکل هزینه سفرهایش به اروپا را تامین کند آنچه انتظار می‌رود این است که حکم او بالاترین و نافذترین حکم باشد اما وقتی فرستاده ناصرالدین‌شاه با میرزای شیرازی دیدار کرد میرزا به وی گفت بهتر است اتکای شاه به ملت ایران باشد نه به بیگانگان و...

ماجرای تحریم تنباکو بسیار قابل تأمل است وقتی دربار نپذیرفت تا قرارداد استعماری توتون و تنباکو را ملغی نماید میرزای شیرازی حکم بر تحریم تنباکو داد. اعتمادالسلطنه در کتاب خاطراتش آورده است: وقتی میرزا حکم تحریم تنباکو را لغو کرد، تا مدّتی مردم، تنباکو استعمال نمی‌کردند، چون مطمئن نبودند دستور لغو تحریم تنباکو از جانب میرزا است یا شایعه است.

همچنین اعتمادالسلطنه در بیان خاطراتش آورده که حتی اقلیت‌های دینی نیز با حکم تحریم تنباکو همراه شدند و نفوذ حکم میرزای شیرازی حتی به اندرونی کاخ‌های سلطان نیز رسید و انیس‌الدوله سوگلی شاه دستور داد تا قلیان‌ها را بشکنند و...

ناصرالدین‌شاه از همان مسیرهایی که می‌شناسیم و در زندگی مادی انتظار داریم به قدرت و تأثیر و نفوذ کلامش رسیده بود اما به راستی میرزای شیرازی که کل عمرش را به تحصیل و سپس به درس دادن و خواندن و نوشتن و عبادت و موعظه مردم گذرانده بود چگونه به جایی رسیده بود که نفوذ کلامش حتی اندرونی کاخ سلطانی را نیز به ولوله انداخت و حکمش، حکم شاه را به زیر کشید؟! آری میرزای شیرازی از خلاف آمده عادت کسب جمعیت کرده بود.

وقتی کسی می‌خواهد به قدرت و نفوذ برسد مردمان را هدف خود قرار می‌دهد و به نوعی می‌کوشد تا به هر طریقی در چشم و دل آنها جا باز کند و این با تمام معیارهای این جهانی مسیر رسیدن به قدرت و نفوذ به نظر می‌آید اما کسی مانند میرزای شیرازی خدا و رضایت او را هدف خویش قرار می‌دهد و آن‌گاه خداوند دل‌ها را پذیرای او می‌سازد. این همان از خلاف آمده عادت است. به نظر می‌رسد «خلاف آمده عادت» در سنت شعر فارسی یعنی رفتاری غیر از آنچه این دنیای مادی و نفس به ما برای موفقیت پیشنهاد می‌کنند چنان‌که نظامی هم در مخزن‌الاسرارش می‌گوید:

**هرچه خلاف آمد عادت بود**
**قافله سالار سعادت بود**

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

| مرکز | | | |
|---|---|---|---|
| ۳۳۱۱۰۲۰۲ | ۳۳۱۱۸۰۵۲ | ۳۳۱۱۲۱۹۳ | ۳۳۱۱۳۵۱۹ |
| ۳۳۱۱۲۲۹۱ | ۳۳۹۱۱۵۶۸ | ۳۳۱۱۰۲۱۰ | ۳۳۱۱۹۲۳۶ |
| ۳۳۱۱۳۰۸۵ | ۳۳۹۴۲۰۰۰ | ۳۳۱۱۸۰۵۰ | ۳۳۱۱۲۱۹۵ |

| جنوب | |
|---|---|
| سعدی | ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳ |
| شرق استان تهران | ۳۶۲۵۷۰۷۴ |
| اسلامشهر | ۵۶۳۴۴۳۴۳ |
| چهاردانگه | ۵۶۳۵۹۵۹۸ |

| شمال | |
|---|---|
| قلهک | ۲۲۶۰۳۶۳۵ |
| شمیران | ۲۲۷۱۲۹۷۶ |
| مطهری | ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ |
| شهرآرا | ۶۶۵۹۲۲۶۶-۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱ |

برگ سبز خودرو سواری پراید جی‌تی‌ایکس به شماره پلاک ۹۱۷ ب ۱۹- ایران ۱۴ به رنگ نقره‌ای مدل ۱۳۸۶ و شماره موتور ۲۲۲۷۶۶۷ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۶۴۳۱۶۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی خودرو پژو ۲۰۷ به رنگ روغنی سفید پانوراما مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ۷۸۲ ن ۸۷ ایران ۶۸ به شماره موتور ۱۶۶B۰۰۹۵۶۰۸ به شماره شاسی NAA۰۳FE۱PJ۵۶۸۲۳۳ به مالکیت سهیل میردار هریجانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

لوازم یدکی خودرو
تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی تویوتا- لکسوس (بازار)
۳۳۹۹۰۰۱۷ -۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

مجله زن روز
روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

آگهی‌های مفقودی
مدرک گواهینامه موقت اینجانب شادان اشفعی فرزند علی به شماره شناسنامه ۴۱۷ صادره از گلپایگان در مقطع کارشناسی رشته مهندسی کامپیوتر- نرم‌افزار صادره از واحد دانشگاهی تهران مرکزی با شماره ۴۸۶۶۴/۸/۴/الف تاریخ ۱۳۷۴/۷/۱۱ مفقود گردیده است. از یابنده تقاضا می‌گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی: تهران- سوهانک بلوار ارتش- میدان قائم- خیابان خندان- خیابان سلماس ارسال نمایند.

سند کمپانی خودرو سواری پژو ۴۰۵ جی‌ال‌ایکس آی ۸/۱ به شماره پلاک ۸۳۴ی ۱۶ - ایران ۳۴ به رنگ سفید- روغنی مدل ۱۳۹۰ و شماره موتور ۱۲۴۹۰۰۱۷۳۴۰ و شماره شاسی NAAM۰۱CA۷BE۲۲۲۰۰۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و برگ کمپانی و کارت خودرو پژو ۴۰۵GLX مدل ۱۳۹۶ بشماره شاسی NAAM۰۱CE۷HK۵۹۶۰۰۵ بشماره موتور ۱۲۴K۱۰۸۸۵۳۳ بشماره پلاک ۷۹۹ی ۸۱- ایران ۴۰ بنام مسعود گرشاسبی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و کارت خودروی سواری پژو تیپ PARS TU۵ به رنگ سفید مدل ۱۴۰۲ و به شماره پلاک ۷۹۸ ص ۲۸ ایران ۴۲ و به شماره موتور ۱۳۹B۰۳۲۰۹۰۰ و به شماره شاسی NAAN۱۱FE۳PK۲۸۳۴۵۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

سند کمپانی (سند کارخانه) و برگ سبز (کلیه مدارک) خودروی سواری پژو پارس به شماره انتظامی ۳۵۳م ۸۹ ایران ۲۰ با شماره موتور ۱۲۴۸۶۲۱۷۴۳۷ و شماره شاسی ۵۰۵۱۰۲۵۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

سند کمپانی MVM X۲۲ شماره انتظامی ۵۷د۳۹۸ ایران ۷۳ موتور NATFBAAS۱P ۱۰۱۳۸۷۷ شاسی MVMD۴G۱۵BYP۰۱۳۸۲۰ مدل ۱۴۰۲ به نام کاوه آرما مفقود و از درجه اعتبار ساقط است

این‌جانب سعید رفیعی به شماره ملی ۴۲۰۰۹۸۴۹۰ مالک خودروی سواری پژو تیپ PARS XU۷ مدل ۱۴۰۰ به شماره انتظامی ۵۸۴ هـ ۲۵ ایران ۳۰ شماره موتور ۱۲۴K۱۶۲۹۲۰۱ شماره شاسی NAAN۰۱CE۱MH۶۳۳۶۲۹ به علت فقدان اسناد سازمان فروش ایران خودرو شامل برگ کمپانی و اسناد فروش و برگ تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده. لذا چنان‌که کسی ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد از این تاریخ ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر منطقه‌ای ایران خودرو واقع در پیکانشهر، ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط اقدام خواهد شد.

چون آقای علی قربان شیری مالک خودرو سواری پژو پارس مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۵۸۵ ق ۷۳ ایران ۲۸ و شماره موتور ۱۲۴ K ۱۶۶۵۰۳۵ و شماره شاسی NAAN ۰۱ CE۸MK۱۷۲۰۴۱ به علت فقدان سند کمپانی و برگ سبز خودرو تقاضای رونوشت المثنی سند مذکور را نموده است. لذا چنان‌که هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

برگ سبز (شناسنامه مالکیت) موتورسیکلت دایچی تیپ ۲۰۰CC مدل ۱۳۹۱ به شماره پلاک ۶۳۸_۶۷۲۱۴ وشماره موتور ۱۶۳FML ۳۳۷۴۳ وشماره تنه N۲G۲۰۰ B۹۱۱۰۰۰۹۰۱۱۰۰۰۹ به نام عبداله یکه زاد به کد ملی ۱۸۲۹۵۷۶۳۰۵ مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است.زرین شهر

برگ سبزوکارت مشخصات خودروی سواری پیکان ۱۶۰۰i رنگ سفید، مدل ۱۳۸۱ به شماره انتظامی ۹۴۷ب۲۳ رشت شماره موتور ۱۱۱۵۸۱۷۳۹۹۶ وشماره شاسی ۸۱۵۷۷۱۶۴ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اسامی ۳ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه شبیر

نام کودک: شهراد
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۴/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲۴
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی شهریار

نام کودک: آلاله
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۴/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲۸
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام کودک: آرش
تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۲/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۲۵
ارجاع دهنده: بیمارستان اکبرآبادی

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۲

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱ بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۳۶۳۱ با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

| نوع نشریه | یکساله (ریال) | شش ماهه (ریال) | سه ماهه (ریال) |
|---|---|---|---|
| روزنامه کیهان | ۳۶/۰۰۰/۰۰۰ | ۱۸/۰۰۰/۰۰۰ | ۹/۰۰۰/۰۰۰ |
| روزنامه کیهان انگلیسی | ۹۶/۰۰۰/۰۰۰ | ۴۸/۰۰۰/۰۰۰ | ۲۴/۰۰۰/۰۰۰ |
| روزنامه کیهان عربی | ۹۶/۰۰۰/۰۰۰ | ۴۸/۰۰۰/۰۰۰ | ۲۴/۰۰۰/۰۰۰ |
| مجله کیهان ورزشی | ۱۶/۶۴۰/۰۰۰ | ۸/۳۲۰/۰۰۰ | ۴/۱۶۰/۰۰۰ |
| مجله زن روز | ۱۶/۶۴۰/۰۰۰ | ۸/۳۲۰/۰۰۰ | ۴/۱۶۰/۰۰۰ |
| مجله کیهان بچه‌ها | ۸/۳۲۰/۰۰۰ | ۴/۱۶۰/۰۰۰ | ۲/۰۸۰/۰۰۰ |
| مجله کیهان فرهنگی | ۱/۲۸۰/۰۰۰ | ـــــ | ـــــ |

توجه
۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
**۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.**
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره ۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸ با ذکر مشخصات در کانال تلگرام قرار داده به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا
نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه..... مدت..... ماه
مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....
آدرس: .....
کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....
شماره اشتراک: .....

تلفن: ۰۲۱-۳۵۲۰۲۲۷۸ نمابر: ۰۲۱-۳۳۹۱۰۹۲۲ امور مشترکین موسسه کیهان

با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید